

# قربانیان آزار و اذیت و تجاوز جنسی

تجاوز و آزار جنسی در بازداشتگاه‌های طالبان

واحد تحقیقی افغانستان اینترنشنال

دستکم ۱۰ زن در مصاحبه‌های جداگانه به افغانستان اینترنشنال گزارش داده‌اند که در هنگام بازداشت از سوی اعضای طالبان مورد تجاوز یا آزار جنسی گرفته‌اند. از این شمار، هشت زن گزارش داده‌اند که به آنها تجاوز شده و دو زن دیگر گفته‌اند که طالبان در جریان بازجویی، از بدن برهنه آنها فیلم و عکس گرفته‌اند.

شماری از زنان گفتند این آزار و اذیت یا تجاوز جنسی در حالی روی داده است که زندانبان‌ها با موبایل خود از صحنه تجاوز فیلم می‌گرفتند یا در سلول‌هایی که آنان زندانی بودند دوربین‌هایی نصب شده که توسط اداره تنظیم امور زندان‌های طالبان بررسی می‌شود.

ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل برای افغانستان تایید کرد که از این موضوع جدی آگاه است و روی آن کار جریان دارد.

احمدضیا سراج، رئیس پیشین امنیت ملی افغانستان تایید کرد که در دوره کار او در سلول‌های ریاست ۴۰، ریاست ۹۰ و استخبارات ولایت کابل دوربین نصب کرده بودند.

او گفت این دوربین‌ها به درخواست و کمک جامعه بین‌المللی نصب شد و بخش حقوق بشر یوناما، صلیب سرخ و سفارت امریکا هر چند ماه نظارت می‌کردند تا مطمئن شوند که زندانیان توسط کارمندان امنیت ملی شکنجه نمی‌شوند.

آقای سراج گفت فعلا دسترسی نهادهای بین‌المللی به این کمرها قطع شده و نمی‌داند دوربین‌ها فعال هست یا خیر.

ضیا سراج گفت طالبان از این تاکتیک برای درهم شکستن روحیه زنان استفاده می‌کند تا آنها را وادار به سکوت کند.

زنان قربانی که در این گزارش شهادت داده‌اند، نقش‌های فعالی در جامعه افغانستان داشتند. از جمله، معلم، کارمند بخش پزشکی، دانشجو، فعال مدنی، مدل و تولیدکننده محتوای شبکه‌های اجتماعی بودند. این زنان

باور دارند که به دلیل نقش اجتماعی‌شان مورد هدف قرار گرفته‌اند. با این حال یک پزشک بخش نسایی ولادی در کابل گفت هر ماه دستکم دو الی سه قضیه تجاوز جنسی برای آزمایش بارداری به شفاخانه‌ای که او در آن کار می‌کند، مراجعه می‌کند.

این پزشک که نام او و نام شفاخانه‌ای که در آن کار می‌کند به دلایل امنیتی فارش نمی‌شود، گفت که عمدتاً قربانیان تجاوز جنسی که به شفاخانه مراجعه می‌کنند از روستاهای دوردست در ولایت‌ها می‌آیند و اکثر آنان زیر سن ۱۸ قرار دارند.

این متخصص نسایی ولادی گفت که براساس پالیسی رسمی شفاخانه نمی‌تواند به زنان در زمینه سقط کودکان‌شان کمک کند، اما آزمایش بارداری آن‌ها را انجام می‌دهد.

قربانیان پس از این حوادث با پیامدهای جسمی و روانی جدی مواجه شده‌اند. برخی از آنان هنوز علائم شکنجه را بر بدن خود دارند و برای مقابله با فشارهای روانی ناچار به مصرف داروهای اعصاب شده‌اند. دستکم چهار نفر گفتند بعد از تجاوز جنسی سعی کرده‌اند به زندگی خود پایان دهند و با افکار خودکشی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

بتول حیدری، روان‌پزشک و متخصص در درمان آسیب‌های روانی ناشی از تجاوز جنسی، در گفت‌وگو با افغانستان اینترنشنال گفت بزرگترین ترس قربانیان بعد از تجاوز، باردار شدن از طالبان است. خانم حیدری که با دستکم هشت قربانی تجاوز جنسی طالبان کار کرده، می‌گوید قربانیان بعد از تجاوز ترومای شدیدی را سپری می‌کنند و ترس از بارداری، آزمایش بارداری و سقط جنین یک چالش بزرگ برای آنان است.

وی گفت که بسیاری از زنان، به ویژه دختران جوان، پس از تعرض جنسی، به‌جای تمرکز بر دردهای جسمانی ناشی از شکنجه، از بارداری و احتمال آبستن شدن توسط طالبان هراس دارند. خانم حیدری تأکید کرد که به شماری از مراجعین خود کمک کرده است که به کمک پزشکان محلی به‌طور غیررسمی جنین را سقط کنند. او گفت سقط جنین، بخش مهمی از فرایند درمان مراجعینش بوده است.

علاوه بر آسیب‌های جسمی و روانی، پیامدهای اجتماعی این تجاوزها نیز تأثیر مخربی بر زندگی قربانیان داشته است. دو زن قربانی گفته‌اند که پس از وقوع این فجایع، همسرانشان از آن‌ها جدا شده‌اند. یک زن دیگر نیز گفت که همچنان در تلاش است تا همسرش درک کند که او قربانی شرایطی بوده که کنترولی بر آن نداشته است. یک جوان ترنس قربانی تجاوز گفت خانواده‌اش او را طرد کرده است.

این گزارش نتیجه گفت‌وگو با ده‌ها زن قربانی خشونت طالبان، پزشکان، فعالان حقوق بشر و کارشناسان امنیتی است. از میان قربانیان تجاوز و آزار جنسی طالبان که تعدادشان نزدیک به ۲۰ نفر بود و با آن‌ها گفت‌وگو کردیم، تنها ۱۰ نفر حاضر شدند روایت‌هایشان منتشر شود. باقی به دلایل امنیتی از انتشار روایت‌های خود خودداری کردند.

## تهدید به انتشار فیلم

### «زندانبان طالبان گفت: عریان می‌شوی یا خواهر کوچکت را بیاورم»

تمنا زریاب پریانی، قهرمان ورزش بدنسازی، و خواهرش زرمینه پریانی، که قابله بود، نقش فعالی در اعتراضات خیابانی ضد طالبان در سال ۱۴۰۰ داشتند. استخبارات طالبان در تاریخ ۲۹ جدی ۱۴۰۰ به خانه این زنان معترض هجوم برد.

هنگامی که مردان مسلح طالبان شروع به کوبیدن در آپارتمان کردند، چهار خواهر بدون همراه مرد در خانه حضور داشتند. تمنا ویدیویی ضبط کرد که او را در حالتی وحشتزده نشان می‌داد. او این ویدیو را به یک خبرنگار فرستاد و این تصاویر به‌طور گسترده در رسانه‌ها بازتاب یافت. تمنا در ویدیو گفت: «مردان مسلح برای دستگیری من آمده‌اند» و در پایان ویدیو با فریاد گفت: «کمک کنید، طالبان به خانه‌ام آمده‌اند».

در همان لحظات، زرمینه که از ترس طالبان سراسیمه شده بود، تلاش کرد از بالکن آپارتمان خود را پایین بپندازد. سه خواهرش برای نجات او دویدند و قبل از آنکه سقوط کند، پیراهن او را محکم گرفتند. اما پیراهنش پاره شد و زرمینه با بدن نیمه‌برهنه از طبقه سوم به پایین افتاد. او که به شدت آسیب دیده بود، توسط طالبان بازداشت شد.

طالبان علاوه بر او، تمنا زریاب پریانی، کرشمه پریانی و شفیقه پریانی را نیز بازداشت کردند. آن‌ها تمنا را به سلول جداگانه‌ای بردند و زرمینه، کرشمه و شفیقه را در یک سلول دیگر زندانی کردند.

در جریان شب، طالبان تمنا را به شدت شکنجه کردند. آن‌ها همچنین در ساعت سه بامداد زرمینه را برای بازجویی به اتاقی جدا از خواهرانش بردند. زرمینه می‌گوید که در بازجویی از او درباره حمایت‌های احتمالی از سوی افراد یا کشورها پرسیده شد. بازجویان او را به دلیل تعلقش به ولایت پنجشیر متهم کردند که از سوی احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان و امرالله صالح، معاون سابق رئیس‌جمهور افغانستان حمایت می‌شود.

زرمینه می‌گوید پاره شدن پیراهنش هنگام بازداشت، بهانه‌ای شد تا طالبان او را در زندان مورد آزار جنسی قرار دهند. به گفته او، قاری سعد، یکی از مسئولان زندان ریاست ۹۰ استخبارات طالبان در کابل، به او گفت: «تو خودت در جریان بازداشت پیراهنت را کشیدی و از آپارتمان پایین پریدی تا نظام ما را بدنام کنی.» سپس از او خواست که پیراهنش را در بیاورد.

براساس روایت زرمینه پریانی، علاوه بر قاری سعد، چندین عضو دیگر طالبان نیز در اتاق حضور داشتند و از این صحنه‌ها فیلم‌برداری کردند. دوربین‌هایی نیز در اتاق بازجویی نصب بود. زرمینه می‌گوید قاری سعد با تهدید گفت: «پیراهنت را درمی‌آوری یا خواهر کوچکت را بیاوریم؟» او مجبور شد که برای نجات خواهران کوچکش از آزار و اذیت جنسی، خواسته آنان را انجام دهد و طالبان از بدن عریان او فیلم گرفتند.

زرمینه می‌گوید هر چه پوشش رسانه‌ای و فشار نهادهای بین‌المللی درباره بازداشت آنان بیشتر می‌شد، برخورد طالبان با آن‌ها تغییر می‌کرد. او افزود که پس از چند روز، طالبان شال‌های بزرگ برای پوشاندن سر آوردند و حتی لحاف، کمپل و ترموز چای در اختیارشان قرار دادند، زیرا دیپلمات‌های خارجی برای آزادی آنان بر طالبان فشار آورده بودند.

تمنا زریاب نیز به افغانستان اینترنشنال گفت که طالبان از موبایل شخصی او تصاویر خصوصی‌اش را که برخی نیمه‌عریان بودند، ذخیره کرده‌اند.

خواهران پریانی سه هفته بعد از بازداشت، در ۲۲ دلو ۱۴۰۰، به قید ضمانت آزاد شدند. آن‌ها می‌گویند که

طالبان به آنها هشدار داده‌اند: «اگر بخواهید دوباره علیه ما صحبت کنید، ما هم چیزهایی برای انتشار داریم.»

این آزارهای جنسی تنها در مورد خواهران پریانی که از چهره‌های شناخته‌شده جنبش اعتراضی زنان علیه طالبان در سال ۱۴۰۰ بودند، محدود نمانده است. در یکی از آخرین موارد یک دانشجوی ترنس در ولایت هرات در غرب افغانستان قربانی خشونت جنسی طالبان شده است.

## تجربه یک ترنس

### «محتسبان طالبان بعد از تجاوز و شلاق، چوب را به مقدم فرو کردند»

محتسبان امر به معروف و نهی از منکر طالبان در هرات روز جمعه، دوم قوس ۱۴۰۳ خورشیدی (۲۲ نوامبر)، میوند (نام مستعار)، دانشجوی ۲۳ ساله دانشگاه دولتی هرات، را بازداشت کردند.

در نامه جلبی که یک نسخه آن به افغانستان اینترنشنال رسیده است، دیده می‌شود که آمریت امر به معروف و نهی از منکر یکی از ولسوالی‌های هرات در تاریخ دوم قوس ۱۴۰۳ این دانشجو را به منظور «اصلاحات» جلب کرده است. در پایین نامه مولوی عبدالرحیم نوری، واریسی‌کننده امر به معروف و نهی از منکر طالبان، امضا کرده است.

میوند می‌گوید در بازداشتگاه اداره امر به معروف، او به دلیل «صدای زنانه» و رفتارهایی که طالبان «غیرمردانه» می‌دانستند، به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

محتسبان طالبان او را ساعت ۹ صبح بازداشت کردند و تا شام روز جمعه، دوم قوس، در بازداشتگاه ماند. وی گفت که نزدیک به ساعات پایان روز، سه محتسب امر به معروف پس از شلاق‌زدن و شکنجه، به او تجاوز کرده و از چوب برای آزار جنسی استفاده کردند. او گفت این سه محتسب «می‌خواستند چوب را داخل مقدم کنند.» این شکنجه باعث جراحات شدید و خونریزی شد که او را ناچار به بستری شدن در شفاخانه حوزوی هرات کرد.

در ویدیوها و عکس‌هایی که به افغانستان اینترنشنال فرستاده شده است، جای شلاق بر بدن میوند دیده می‌شود.

این جوان ترنس گفت علاوه بر شکنجه طالبان، او پیوسته از سوی برادر بزرگ خود مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد. به گفته او، برادرش بارها تصمیم گرفته است او را بکشد و از خانه بیرون کند.

میوند در ادامه می‌گوید که خانواده‌اش، به جز مادرش، او را طرد کرده‌اند. به گفته او، درد جسمانی ناشی از خشونت‌ها درمان‌شدنی است، اما طرد شدن از سوی خانواده و نادیده گرفته شدن به‌عنوان یک انسان، زخمی است که هرگز درمان نخواهد شد.

شهادت قربانیان نشان می‌دهد که رفتاری که میوند تجربه کرده است، یک مورد نادر و استثنایی در حکومت

طالبان نیست. شهادت یک کارمند پزشکی ۲۲ ساله در مزار شریف، در شمال افغانستان، نشان می‌دهد که او حدود ۴۰ روز قبل از این جوان ترنس، تجربه درناکی از تجاوز گروهی را از سر گذرانده است.

## تلاش برای خودکشی

### «می‌گفتند که اگر صدایت را بلند کردی ابرویت را می‌بریم»

زمانی که زلیخا (نام مستعار) به هوش آمد، نیمه‌شب بود. او در اتاقی تاریک، با خونریزی شدید، تنها بود. آخرین چیزی که به یاد داشت، ضربه‌ای از قنداق اسلحه بر سرش بود، وقتی که مردان مسلح او را در راه بازگشت از کار بی‌هوش کرده و داخل موتر شیشه‌سیاه انداختند.

زلیخا، ۲۲ ساله، در بخش تبلیغات محصولات پزشکی در شفاخانه‌ها و کلینیک‌های نسایی ولادی مزار شریف کار می‌کرد. او پس از فراغت از مکتب، کار خود را در این حوزه آغاز کرده بود. اما در دوران طالبان، بارها از سوی اعضای این گروه تهدید شده بود که نباید از خانه بیرون برود.

زلیخا می‌گوید: «آن‌ها می‌گفتند پدر و برادرت چرا کار نمی‌کنند که تو مجبور به بیرون رفتن می‌شوی؟» او همچنین اضافه می‌کند که گاهی اوقات رنج‌های طالبان او را در مسیر خانه تا محل کار تعقیب می‌کردند: «وقتی که رنجر طالبان از پشتم می‌آمد، وحشت‌زده می‌شدم. اما به خانواده‌ام چیزی نمی‌گفتم تا آن‌ها هم نگران نشوند و مانع رفتنم به کار نشوند.»

در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴، مثل هر روز دیگر، زلیخا از خانه خارج شد تا به محل کار خود برود. ناگهان خودرویی با شیشه‌های دودی کنار او توقف کرد. مردان مسلح نقاب‌پوش با قنداق اسلحه بر سر او کوبیدند و پس از بی‌هوش کردنش، او را با خود بردند.

زلیخا می‌گوید: «وقتی به هوش آمدم، خود را در اتاق ناشناس یافتم. تنها بودم و خونریزی شدیدی داشتم.» او در همان زمان از خونریزی شدید غیرمعمول خود پی برده است که به او تجاوز شده است.

او به یاد می‌آورد که دو مرد وارد اتاق شدند. وقتی زلیخا از آن‌ها پرسید که چرا او را آورده‌اند، آن‌ها پاسخ دادند: «شما فاحشه‌ها کشور را خراب کرده‌اید.»

زلیخا می‌گوید: «بارها از زندان‌بان‌ها خواستم که برایم نوار بهداشتی بیاورند، اما هیچ توجهی نکردند. یک بار دیگر نیز به من قرص‌هایی دادند که بعد از خوردن آن‌ها بی‌هوش شدم. نمی‌دانم در این مدت چه اتفاقی برایم افتاده است.»

او به یاد دارد که چندین بار او را به اتاقی دیگر بردند، با شلاق بر کمر، ران‌ها و پاهایش زدند و بار دیگر به او تجاوز گروهی کردند. طالبان همچنین از این تجاوزها فیلم‌برداری کرده و تهدید کردند: «اگر به این موضوع دامن بزنی، فیلم را پخش می‌کنیم و ابرویت را می‌ریزیم.»

زلیخا می‌گوید: «در آن لحظات از شرم می‌خواستم بمیرم. هرچه جیغ می‌زدم، آن‌ها مرا فاحشه خطاب می‌کردند و دشنام می‌دادند.»

پس از چهار روز، زلیخا را به اتاق بردند که مردی مسن در آن نشسته بود. او می‌گوید: «مرد، برخوردی خشن داشت. او مرا مجبور کرد بر روی اوراقی امضا کنم و هشدار داد که دیگر سر کار نمی‌روی و حجاب اسلامی را رعایت می‌کنی.»

زلیخا همچنین روایت می‌کند که مرد مسن در جریان بازجویی زلیخا در مورد اینکه چرا حجاب مورد نظر این گروه را رعایت نکرده است، چاقویی از جیبش بیرون آورد، موهای او را با آن برید و سپس موهای بریده‌شده را به دست زلیخا داد.

او تصاویری از موهای بریده‌شده‌اش را به افغانستان اینترنشنال ارسال کرده است.

زلیخا گفت طالبان از او تعهد گرفت که دیگر سر کار نخواهد رفت و سپس او را در دشتی دورافتاده رها کردند. زلیخا می‌گوید: «مرا در دشت انداختند. پاهایم توان راه رفتن نداشت. دقیق نمی‌دانم چقدر راه رفتم تا به یک جاده رسیدم. جاده‌ای که هیچ موتوری از آن عبور نمی‌کرد. سرانجام یک تاکسی عبور کرد. آن را متوقف کردم و از راننده خواهش کردم تلفنش را به من بدهد. به پدرم زنگ زدم.»

اکنون با گذشت حدود چهار ماه از این رویداد، زلیخا هنوز با پیامدهای روانی ناشی از تجاوز جنسی دست‌و‌گریبان است. او می‌گوید در این مدت پیوسته با افکار خودکشی دست و پنجه نرم کرده و یکبار تلاش کرده است با خوردن مقدار زیادی از دارو، به زندگی خود پایان دهد. تلاش زلیخا برای خودکشی باعث شد نیمی از بدن او فلج شود.

## متجاوز همسن پسر

### «خواستند همکاری کنم و جلوی تظاهرات را بگیرم»

صدیقه (نام مستعار)، زنی ۴۶ ساله و کارمند پیشین وزارت امور زنان، روایت می‌کند که هنوز هم هنگام صحبت درباره خشونت جنسی که در زندان طالبان تجربه کرده، به لرزه می‌افتد. او می‌گوید: «همین حالا، مثل کسی که داخل یخچال گذاشته شده باشد، دست‌هایم می‌لرزد. شما تصور کنید در آن لحظه چه حالی داشتم.»

او توضیح می‌دهد که در زندان ریاست استخبارات طالبان، واقع در سرک وزارت امور خارجه کابل، جوانی که لباس‌های او را از تنش بیرون کرد، همسن فرزندش بوده است.

صدیقه از ارائه جزئیات بیشتر درباره خشونت جنسی خودداری کرد اما تأکید داشت که طالبان به‌طور عمدی و سیستماتیک تلاش می‌کنند زنان فعال در جامعه را «سرافکنده» و «بی‌آبرو» کنند. او که بیش از ۲۰ سال در وزارت امور زنان فعالیت داشته، می‌گوید طالبان از زنان زندانی فیلم‌های برهنه و تجاوز تهیه می‌کنند تا آن‌ها را از حضور در جامعه و سخن گفتن با مردم بازدارند.

او تأیید کرد که طالبان به او هشدار داده‌اند: «اگر به فعالیت خود ادامه بدهی، این فیلم را در فضای عمومی منتشر خواهیم کرد.»

صدیقه نمی‌داند این فیلمها در کجا نگهداری می‌شوند اما باور دارد که طالبان از این ویدیوها به‌عنوان ابزاری برای سرکوب زنان استفاده می‌کنند.

صبح روز ۱۲ اگست ۲۰۲۳، طالبان به خانه صدیقه در کابل یورش بردند. صورت او را با پارچه‌ای سیاه پوشاندند، دستانش را دستبند زدند و او را به ریاست استخبارات کابل منتقل کردند.

در آن روز، چندین گروه اعتراضی زنان تصمیم گرفته بودند به مناسبت دومین سالروز تسلط طالبان بر افغانستان، در مقابل دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد (یوناما) در کابل تظاهرات برگزار کنند. صدیقه می‌گوید

طالبان از او خواستند با نمایندگان این گروه‌های اعتراضی تماس بگیرد و از آنها بخواهد تظاهرات را لغو کنند. طالبان تهدید کردند که اگر تجمعی برگزار شود، او را خواهند کشت.

او یادآوری می‌کند که در جریان بازجویی و شکنجه، طالبان مکرراً از او می‌پرسیدند که از کدام کشور خارجی پول می‌گیرد و تحت فرمان کدام دولت است. صدیقه پاسخ داده بود که تنها به خاطر نقض حقوق خود اعتراض کرده و از هیچ کشوری دستور نمی‌گیرد.

صدیقه توضیح می‌دهد که شکستگی و خونریزی شدید بینی‌اش در اثر شکنجه باعث شد طالبان او را به شرط ضمانت آزاد کنند. او با ضمانت شش نفر، قبالة حویلی (سند خانه)، و پذیرش نظارت خانگی دو ماهه آزاد شد.

با این حال، آزار طالبان پایان نیافت. صدیقه تصاویری را به افغانستان اینترنت‌نشال ارسال کرده است که نشان‌دهنده آثار شکستگی بینی‌اش است.

او به یاد می‌آورد که طالبان در هر زمان از روز یا شب به خانه‌اش می‌آمدند تا مطمئن شوند او در خانه است. در یکی از این بازدیدها، یکی از اعضای طالبان با سرنیزه سلاح کلاشنیکف به گردن او حمله کرد که باعث بریدگی و خونریزی شدید شد. افغانستان اینترنت‌نشال تصاویری از این جراحت دیده است.

## توهین، تحقیر و تجاوز

### «عضو طالبان گفت: شما جامعه را کثیف کرده‌اید»

ساعت ۱۱ شب، اوایل سپتامبر ۲۰۲۱، در نخستین روزهای ورود طالبان به کابل، زنگ در خانه تهمینه (نام مستعار)، زنی ۲۲ ساله که در منطقه ۳۱۵ خیرخانه کابل زندگی می‌کرد، به صدا درآمد. در آن شب، تهمینه تنها بود.

تهمینه روایت می‌کند: «به‌محض اینکه در را باز کردم، گروهی از افراد مسلح وارد شدند و اولین جمله‌ای که

شنیدم این بود: «این فاحشه را مردار کنید».

به گفته او، مهاجمان او را به شدت لتوکوب کردند، پیراهنش را پاره کردند و با تحقیر گفتند که افرادی مانند او «جامعه را کثیف کرده‌اند».

تهمینه با گریه ادامه می‌دهد که چند نفر از جنگجویان به او تجاوز کردند و یکی از آنها از این اقدام فیلم‌برداری کرد.

تصاویری که تهمینه به افغانستان اینترنشنال ارسال کرده است، آثار لتوکوب و کبودی روی بخش‌هایی از بدن او را نشان می‌دهد.

در آن زمان، شوهر تهمینه برای انجام کاری مرتبط با تجارت پنبه به پاکستان سفر کرده بود. این حادثه زندگی تهمینه را به‌طور عمیقی تحت تأثیر قرار داد؛ تا جایی که شوهرش پس از بازگشت، او را طلاق داد. آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از این حادثه باعث شد تهمینه فرزندش را در هفت‌ماهگی به دنیا بیاورد.

تهمینه معتقد است فعالیت‌هایش به‌عنوان مدل و تولید محتوای روزمره در تیکتاک، مستقیماً باعث جلب توجه طالبان و حمله آنان به خانه‌اش شده است.

پیش از ورود طالبان به کابل، تهمینه به حرفه مدلینگ مشغول بود و در تیکتاک، درباره زندگی روزمره‌اش ویدئو تولید می‌کرد. صفحه تیکتاک او حداقل ۵۰ هزار دنبال‌کننده داشت. تهمینه معتقد است که این سبک زندگی جامعه محافظه‌کار افغانستان توجه طالبان را به او جلب کرده بود.

پس از جدایی از همسرش، تهمینه به خانه پدرش در منطقه تایمینی کابل نقل مکان کرد. اما پس از مدتی، عواملان تجاوز به خانه پدری او آمدند و او را به اتهام «فروش مواد مخدر» تهدید به بازداشت کردند. این‌بار، مهاجمان خود را کارمندان معینیت مبارزه با مواد مخدر طالبان معرفی کردند. با این حال، همسایگان و مردم محل مانع بازداشت او شدند.

تهدیدهای مداوم طالبان باعث شد تهمینه تصمیم بگیرد افغانستان را ترک کند و به پاکستان پناه ببرد. او در پاکستان، دوباره صفحه تیکتاک خود را از سر ساخت. زمانی که شمار دنبال‌کنندگان این صفحه به ۱۸ هزار نفر رسید، بار دیگر توجه طالبان را جلب کرد.

افغانستان اینترنشنال پیام‌هایی را مشاهده کرده که از صفحه‌ای با نام «قدرت‌الله خان» برای تهمینه ارسال شده است. در این پیام‌ها، قدرت‌الله خان از تهمینه خواسته است برای شناسایی باندهای فروش مواد مخدر با طالبان همکاری کند. او وعده داده که در ازای این همکاری، درصدی از سود به تهمینه پرداخت خواهد شد. همچنین در این پیام‌ها آمده است که طالبان در هر کشوری که او باشد، می‌توانند به او دسترسی پیدا کنند.

تهمینه می‌گوید پس از دریافت این پیام‌ها، صفحه ارسال‌کننده پیام را مسدود کرد. اما پس از آن، تماسی از یک شماره خصوصی دریافت کرد که در آن هشدار داده شد صفحه را از بلاک خارج کند و با طالبان همکاری کند؛ در غیر این صورت، ویدئوهای ضبط‌شده از او منتشر خواهند شد.

## داروی بیهوشی

### «بعد از تجاوز تلاش کردم خودکشی کنم، نگذاشتند»

زلیخا تنها کسی نیست که به او در زندان طالبان قرص بیهوش‌کننده داده شده است، در یک روایت جداگانه، پری ۲۴ ساله شهادت داد که به نام پرستامول به او قرص بیهوشی داده شده است.

شام چهارشنبه، ۲۹ دلو ۱۴۰۰، پری، ۲۴ ساله، دانشجوی سابق خبرنگاری، به همراه اعضای خانواده‌اش از شفاخانه بازمی‌گشت که توسط نیروهای استخبارات طالبان در منطقه خوشحال‌خان کابل بازداشت شد.

پری (نام مستعار) روایت می‌کند: «طالبان سرک را بسته بودند. آن‌ها با اسلحه‌های سنگین برای بازداشت من آمدند. اطرافمان پر از طالبان بود. سعی می‌کردم قوی باشم تا نگذارم آن‌ها حس کنند که ترسیده‌ام، اما واقعیت این بود که خیلی ترسیده بودم. بزرگترین ترس من این بود که مبادا طفل‌ها را بکشند؛ چون خواهرزاده‌هایم هم در موتر بودند.»

زمانی که خواهر شوهر پری تلاش کرد مانع بازداشت او شود، طالبان او را نیز با خود بردند.

ضرب‌وشتم پری از همان لحظات اول شروع شد. طالبان کیسه سیاهی را بر سرش کشیدند و دستانش را بستند. زمانی که او تلاش کرد خودش را از خودرو به بیرون بیندازد، طالبان با قنداق تفنگچه به سرش کوبیدند و کمرش را با شوک برقی مورد آزار قرار دادند.

پری می‌گوید شب چهارشنبه او را به ریاست ۹۰ استخبارات طالبان منتقل کردند و تحت شکنجه شدید قرار دادند. طالبان او را به «ترک اسلام» و «دریافت پول از کشورهای خارجی برای سازماندهی اعتراضات ضدطالبان» متهم کردند.

پری می‌گوید روز پنجشنبه طالبان مکتوبی رسمی به او نشان دادند که در آن نوشته شده بود وی سنگسار خواهد شد. او گفت دیدن این مکتوب او را وحشت‌زده کرد. در طول روز، طالبان با کابل، پایپها (لوله پلاستیکی)، مشت و لگد او را شکنجه کردند.

او شب پنجشنبه را در حالی سپری کرد که از درد شدید ناشی از شکنجه به خود می‌پیچید. او بارها از طالبان خواست تا برای کاهش درد، قرص پرستامول به او بدهند، اما درخواستش نادیده گرفته شد.

روز جمعه، اول دلو ۱۴۰۰، طالبان پری را به سلولی جدید منتقل کردند. او این اتاق را «بسیار وحشتناک» توصیف می‌کند: «روی سمنت فقط یک دوشک، دو کمپل و یک بالش کثیف و پر از خاک بود. کنار آن، یک اتاق دیگر قرار داشت که دیوارهایش پر از لکه‌های خون و نمدار بود. چون حمام و توالت همگی داخل همین اتاق بودند.»

هنگامی که ظهر فرا رسید، پری متوجه شد که همه زندانیانها برای نماز جمعه رفته‌اند. لحظاتی بعد، مردی با چهره پوشیده وارد اتاق او شد. پری می‌گوید: «مردی در را باز کرد. صورتش پوشیده بود. دو قرص پرستامول به من داد و گفت اینها را بگیر و به هیچکس چیزی نگو.»

پری پس از خوردن قرصها بی‌هوش شد: «تنها به یاد دارم که ظهر بود و من روی دوشک نشسته بودم. وقتی به هوش آمدم، خود را در گوشه اتاق یافتم. جانم به شدت درد داشت. خونریزی داشتم. هوا تاریک شده بود و شب بود. چادرم نیز دیگر روی سرم نبود. جیغ زدم و خواستم در را باز کنند، چون همه جا تاریک بود، اما کسی توجه نکرد.»

پری می‌گوید وقتی متوجه شد در حالت بی‌هوشی مورد تجاوز قرار گرفته، تصمیم به خودکشی گرفت: «همه قرصهای باقی‌مانده را خوردم تا بمیرم، اما نمردم. از مرگ بدتر شدم. طالبان از ترس فشارهای بین‌المللی تلاش کردند مرا درمان کنند تا زنده بمانم. چون خبر بازداشت من به بیرون درز کرده بود و رسانه‌ها هر روز در مورد ما گزارش می‌دادند.»

پری گفت در زمان حضور در افغانستان فرصت نیافته به پزشک مراجعه کند، اما بعد از رسیدن به آلمان متوجه برهم خوردن چرخه پیروید خود شده و پزشکان تایید کردند که علایم تجاوز در او دیده می‌شود. «بعد از تجاوز تلاش کردم خودکشی کنم، نگذاشتند»

زلیخا تنها کسی نیست که به او در زندان طالبان قرص بیهوش‌کننده داده شده است، در یک روایت جداگانه، پری ۲۴ ساله شهادت داد که به نام پرستامول به او قرص بیهوشی داده شده است.

شام چهارشنبه، ۲۹ دلو ۱۴۰۰، پری، ۲۴ ساله، دانشجوی سابق خبرنگاری، به همراه اعضای خانواده‌اش از شفاخانه بازمی‌گشت که توسط نیروهای استخبارات طالبان در منطقه خوشحال‌خان کابل بازداشت شد.

پری (نام مستعار) روایت می‌کند: «طالبان سرک را بسته بودند. آنها با اسلحه‌های سنگین برای بازداشت من آمدند. اطرافمان پر از طالبان بود. سعی می‌کردم قوی باشم تا نگذارم آنها حس کنند که ترسیده‌ام، اما واقعیت این بود که خیلی ترسیده بودم. بزرگترین ترس من این بود که مبادا طفلها را بکشند؛ چون خواهرزاده‌هایم هم در موتر بودند.»

زمانی که خواهر شوهر پری تلاش کرد مانع بازداشت او شود، طالبان او را نیز با خود بردند.

ضرب‌وشتم پری از همان لحظات اول شروع شد. طالبان کیسه سیاهی را بر سرش کشیدند و دستانش را بستند. زمانی که او تلاش کرد خودش را از خودرو به بیرون بیدارد، طالبان با قنداق تفنگچه به سرش کوبیدند و کمرش را با شوک برقی مورد آزار قرار دادند.

پری می‌گوید شب چهارشنبه او را به ریاست ۹۰ استخبارات طالبان منتقل کردند و تحت شکنجه شدید قرار دادند. طالبان او را به «ترک اسلام» و «دریافت پول از کشورهای خارجی برای سازماندهی اعتراضات ضدطالبان» متهم کردند.

پری می‌گوید روز پنجشنبه طالبان مکتوبی رسمی به او نشان دادند که در آن نوشته شده بود وی سنگسار خواهد شد. او گفت دیدن این مکتوب او را وحشتزده کرد. در طول روز، طالبان با کابل، پایپها (لوله پلاستیکی)، مشت و لگد او را شکنجه کردند.

او شب پنجشنبه را در حالی سپری کرد که از درد شدید ناشی از شکنجه به خود می‌پیچید. او بارها از طالبان خواست تا برای کاهش درد، قرص پرستامول به او بدهند، اما درخواستش نادیده گرفته شد.

روز جمعه، اول دلو ۱۴۰۰، طالبان پری را به سلولی جدید منتقل کردند. او این اتاق را «بسیار وحشتناک» توصیف می‌کند: «روی سمنت فقط یک دوشک، دو کمپل و یک بالش کثیف و پر از خاک بود. کنار آن، یک اتاق دیگر قرار داشت که دیوارهایش پر از لکه‌های خون و نمدار بود. چون حمام و توالت همگی داخل همین اتاق بودند.»

هنگامی که ظهر فرا رسید، پری متوجه شد که همه زندانبان‌ها برای نماز جمعه رفته‌اند. لحظاتی بعد، مردی با چهره پوشیده وارد اتاق او شد. پری می‌گوید: «مردی در را باز کرد. صورتش پوشیده بود. دو قرص پرستامول به من داد و گفت این‌ها را بگیر و به هیچ‌کس چیزی نگو.»

پری پس از خوردن قرص‌ها بی‌هوش شد: «تنها به یاد دارم که ظهر بود و من روی دوشک نشسته بودم. وقتی به هوش آمدم، خود را در گوشه اتاق یافتم. جانم به شدت درد داشت. خونریزی داشتم. هوا تاریک شده بود و شب بود. چادرم نیز دیگر روی سرم نبود. جیغ زدم و خواستم در را باز کنند، چون همه جا تاریک بود، اما کسی توجه نکرد.»

پری می‌گوید وقتی متوجه شد در حالت بی‌هوشی مورد تجاوز قرار گرفته، تصمیم به خودکشی گرفت: «همه قرص‌های باقی‌مانده را خوردم تا بمیرم، اما نمردم. از مرگ بدتر شدم. طالبان از ترس فشارهای بین‌المللی تلاش کردند مرا درمان کنند تا زنده بمانم. چون خبر بازداشت من به بیرون درز کرده بود و رسانه‌ها هر روز در مورد ما گزارش می‌دادند.»

پری گفت در زمان حضور در افغانستان فرصت نیافته به پزشک مراجعه کند، اما بعد از رسیدن به آلمان متوجه برهم خوردن چرخه پرئود خود شده و پزشکان تایید کردند که علایم تجاوز در او دیده می‌شود.

## تهدید و تطمیع

### «مقام معارف طالبان گفت می‌توانم همه خانواده‌ات را بکشم»

تجاوز اعضای طالبان تنها در چهار دیواری زندان‌ها، محدود نمی‌ماند. شهادت گلناز (نام مستعار)، ۳۴ ساله، معلم زن در ولسوالی دهدادی ولایت بلخ، نشان می‌دهد که یک مقام آمریت معارف طالبان با استفاده از موقف دولتی و تهدید به کشتار یک زن را قربانی تجاوز جنسی کرده است.

در ۲۳ اسد ۱۴۰۰، هنگامی که نیروهای طالبان وارد شهر مزار شریف شدند، گلناز، معلم در یکی از مکاتب ولسوالی دهدادی بود. علی‌رغم سقوط جمهوری اسلامی افغانستان، او به کار خود ادامه داد و تصمیم گرفت

از دستورالعمل‌های سختگیرانه طالبان درباره پوشش زنان پیروی کند.

گلناز مانند دیگر معلمان زن، مطابق با قوانین سختگیرانه وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان لباس می‌پوشید. او از سر تا پا خود را می‌پوشاند و تنها چشمانش نمایان بود. حتی از دستکش استفاده می‌کرد تا هیچ بخشی از بدنش دیده نشود و برای پوشاندن صورت خود از ماسک استفاده می‌کرد.

با این حال، گلناز می‌گوید مزاحمت‌ها زمانی آغاز شدند که **نقیب‌الله مخلص**، که در آن زمان به‌عنوان آمر معارف و لسوالی دهادی از سوی طالبان گماشته شده بود، از گلناز خواست در چوکی روپرویش بنشیند و ماسک خود را بردارد — دستوری که گلناز به‌طور قاطع رد کرد. این اقدام گلناز نقطه آغاز تشدید آزارها و تهدیدات علیه او بود.

به گفته گلناز، مخلص شماره تلفن او را از اسناد مکتب به دست آورد و شروع به ارسال پیام‌هایی از طریق واتساپ کرد. *افغانستان اینترنشنال* بخشی از این پیام‌ها را دیده است که در آن مخلص به گلناز گفته است: «رازت پیش من محرم خواهد ماند» و «دل جمع باش.»

آزار و اذیت‌ها زمانی پیچیده‌تر شد که مخلص دفتر حاضری معلمان را از مکتب به دفتر خصوصی خود منتقل کرد و معلمان را مجبور کرد که شخصاً به او مراجعه کنند. گلناز می‌گوید که این ملاقات‌ها فرصتی برای تشدید آزارهای جنسی شد.

این معلم روایت می‌کند که اولین بار که برای امور اداری به دفتر آمر معارف رفته بود، با آزار و اذیت جنسی نقیب‌الله مخلص روبرو شد. گلناز می‌گوید: «او نشانی خانه ما را گفت و پرسید: آنجا زندگی می‌کنی؟ گفتم: بله! نام همه اعضای خانواده ما و همسایه‌های ما را گفت. از جمله نام پدر و مادرم.»

او ادامه می‌دهد که «خیلی ترسیده بودم، تمام بدنم از ترس می‌لرزید. اول شروع به لمس کردن ران‌ها و بغلم. من گفتم آمرصاحب چی کار می‌کنی؟ گفت شما دخترها و زن‌هایی که از خانه می‌آید بیرون و وظیفه اجرا می‌کنید، می‌دانم تمام‌تان این کاره هستید.» سپس او از طریق تماس‌های تلفنی از گلناز خواست با او روابط جنسی برقرار کند.

گلناز این رویداد را با نامزاد خود در میان گذاشت و تصمیم گرفت که دیگر مکتب نرود. پس از سه روز، رنجر نظامی طالبان در کوچه گلناز گشتزنی را شروع کرد و او تماس‌هایی از نقیب‌الله مخلص دریافت کرد که می‌گفت اگر به درخواست‌هایش پاسخ مثبت ندهد، تمام خانواده‌اش را خواهد کشت.

گلناز که از ترس در خود می‌لرزید، به مکتب بازگشت. او می‌گوید در طول یک سال، این آزارها به تجاوزهای مکرر جنسی — چه از راه مقعد و چه از راه واژن — تبدیل شد. براساس روایت گلناز، مخلص از قدرت و نفوذ خود و با تهدید به کشتار خانواده گلناز استفاده کرد تا او را ساکت نگه دارد.

این معلم به یاد می‌آورد که روزانه با بیرون شدن از خانه تا رسیدن به مکتب نقیب‌الله مخلص با رنجر او را تعقیب می‌کرد و همه این آزار و اذیت‌ها بر سلامت روان او شدیداً تاثیر گذاشته بود. به گونه‌ای که روزانه سر ساعت درسی ناگهان به گریه می‌افتاد. او گفت: «چندین بار کوشش کردم خودکشی کنم، اما ترسیدم که این مقام طالبان به خانواده‌ام آسیب بزند.»

این رویداد به‌طور عمیق زندگی گلناز را تحت تأثیر قرار داده است. نامزاد گلناز پس از اطلاع از این رویداد، او را ترک کرد. گلناز می‌گوید این آزار و تجاوز، تا زمانی که او مجبور به ترک افغانستان برای نجات از تجاوز شود، ادامه داشت. افغانستان اینترنشنال پاسپورت گلناز را دیده است که در آن دیده می‌شود او در هشتم میزان ۱۴۰۱، یعنی حدود یک سال و یک و نیم ماه پس از ورود طالبان به مزار شریف، افغانستان را ترک کرده و به یکی از کشورهای همسایه پناه برده است.

مسئول یک انجمن محلی در ولایت بلخ که در زمینه آموزش و پرورش کار می‌کند، ادعای آزار و اذیت جنسی معلمان در ولایت بلخ را تایید کرد به گفته این منبع که خواست نامی از او برده شود، «برخی از مقامات محلی طالبان در امریت معارف ولسوالی دهادی معلمان زن را به بهانه‌های مختلفی مانند اصلاح اوراق اداری یا کمکاری به دفتر خود احضار می‌کنند و سپس از طریق تهدید یا تطمیع، از آنها سوءاستفاده جنسی می‌کنند».

## پیامدها

### خشونت جنسی به‌عنوان سازوکاری برای حذف زنان از اجتماع

روایت قربانیان تجاوز جنسی توسط اعضای طالبان، تصویری هولناک از وضعیت زنان در افغانستان تحت تسلط طالبان ارائه می‌دهد. این شهادتها نشان‌دهنده استفاده از خشونت جنسی به عنوان ابزاری برای سرکوب، تحقیر و حذف زنان از عرصه‌های اجتماعی است. قربانیان می‌گویند خشونت جنسی و جسمی به‌طور سیستماتیک و هدفمند صورت می‌گیرد. این شهادتها نشان می‌دهد که طالبان از خشونت جنسی نه تنها به عنوان مجازاتی فردی، بلکه به عنوان یک استراتژی برای خنثی کردن حضور زنان در اجتماع و ایجاد فضایی از وحشت استفاده می‌کنند.

احمدضیا سراج، رئیس امنیت ملی دولت پیشین افغانستان اینترنشنال گفت گمان نمی‌کند که طالبان تصاویر ثبت‌شده در جریان تجاوز جنسی اعضای خود بر زنان را پخش کند. آقای سراج گفت پخش این تصاویر بیشتر از زنان، به وجهه و اعتبار خود طالبان آسیب خواهد زد. او گفت منظور طالبان از تهدید زنان به انتشار ویدیوهای تجاوز جنسی به نظر می‌رسد این بوده که روحیه زنان را بشکنند.

### تأثیرات روانی و اجتماعی

قربانیان با علائم شدید اضطراب، افسردگی و ترومای روانی مواجه شده‌اند. برخی از زنان همچنان علائم جسمانی شکنجه را به همراه دارند و به مصرف داروهای آرام‌بخش و اعصاب روی آورده‌اند.

یک متخصص قربانیان جراحی مغز، اعصاب و ستون فقرات در کابل گفت که در موارد زیادی قربانیان حتی از مراجعه با سازمان‌های صحتی که تحت کنترل طالبان فعالیت می‌کنند نیز هراس دارند. او گفت عوامل مختلفی از نگرانی‌های امنیتی تا سعی برای آنچه که حفظ آبروی خانواده می‌شود در این تصمیم نقش دارد. به گفته او قربانیان غالباً با طرد از سوی خانواده و جامعه مواجه می‌شوند و قربانیان خشونت یا تجاوز جنسی

به‌جای دریافت حمایت، مورد سرزنش قرار می‌گیرند.

برخی قربانیان در این گزارش به ما شهادت دادند که از همسران خود جدا و یا از سوی خانواده خود طرد شده‌اند. این مسئله نه تنها قربانیان را منزوی می‌کند، بلکه مقاومت در برابر ظلم را نیز برای سایر قربانیان دشوارتر می‌سازد.

## بارداری از طالبان، بزرگترین ترس قربانیان تجاوز

بتول حیدری، روان‌پزشک و متخصص در درمان آسیب‌های روانی ناشی از تجاوز جنسی، در گفتگو با افغانستان اینترنشنال از ترومای شدید قربانیان تجاوز جنسی در افغانستان تحت تسلط طالبان خبر داد. او که با دستکم هشت قربانی تجاوز جنسی طالبان کار کرده، به‌ویژه بر ترس فراوان این قربانیان از بارداری پس از تجاوز تأکید کرد.

وی گفت که بسیاری از زنان، به‌ویژه دختران جوان، پس از تعرض جنسی، به‌جای تمرکز بر دردهای جسمانی ناشی از شکنجه، از بارداری و احتمال آبهستن شدن توسط طالبان هراس دارند. خانم حیدری تأکید کرد که کمک به این زنان برای ارزیابی وضعیت بارداری و، در برخی موارد، انجام سقط جنین به کمک پزشکان محلی، بخش مهمی از فرآیند درمانی آنها بوده است.

این روان‌پزشک همچنین گفت که اکثر قربانیان، پس از رهایی از چنگال طالبان، با افکار خودکشی مواجه

هستند. به گفته او، «آسیب‌های روانی آنقدر عمیق است که در بسیاری از موارد، نخستین واکنش قربانیان تفکر درباره خودکشی است».

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که قربانیان تجاوز جنسی نه تنها از آسیب‌های جسمی رنج می‌برند، بلکه اختلالات روانی چون اضطراب دائم و افسردگی نیز برای بسیاری از آنها به‌وجود می‌آید. در برخی موارد، این آسیب‌های روانی باعث تغییرات در روابط خانوادگی و اجتماعی قربانیان می‌شود، به‌طوری‌که احساس خشم و تنش‌های فروخورده در میان اعضای خانواده به‌ویژه قربانیان را تحت فشار قرار می‌دهد.

خانم حیدری افزود که بسیاری از قربانیان دچار اختلال وسواس شستشو می‌شوند و حتی در مکان‌های خصوصی همچون حمام و دستشویی زمان زیادی را صرف شستن بدن خود، به‌ویژه نواحی تناسلی، می‌کنند. این رفتار ناشی از حس تحقیر عمیقی است که در اثر تجاوز جنسی به‌وجود آمده و در برخی موارد به نفرت از بدن خود می‌انجامد.

## کمک تابوها به گسترش فرهنگ معافیت از مجازات

علاوه بر روایت‌هایی که شرح داده شد، شماری از زنان در گفتگو با افغانستان اینترنشنال تأیید کردند که مورد تجاوز جنسی نیروهای طالبان قرار گرفته‌اند با این حال آنها به دلایل امنیتی و احتمال پیامدهای ناگوار اجتماعی ترجیح دادند در این مورد جزئیات بیشتر ارائه نکنند. در جامعه سنتی افغانستان، صحبت کردن درباره تجاوز جنسی با تابوهای شدید فرهنگی و اجتماعی روبه‌رو است. جامعه عمدتاً جامعه را به سکوت

درباره تجارب خود تشویق می‌کنند. این رویداد نه تنها به آسیب‌های روانی قربانیان دامن می‌زند، بلکه به فرهنگ معافیت از مجازات نیز کمک می‌کند.

تابوهای اجتماعی در جوامعی که ارزش‌های سنتی و پدسالارانه بر آنها حاکم است، قربانیان تجاوز جنسی را از صحبت کردن درباره تجربه خود باز می‌دارد. در این جوامع، قربانیان معمولاً با برچسب‌های ناعادلانه‌ای مواجه می‌شوند و جوامع گاهی قربانیان را به چشم مقصر می‌نگرد. بسیاری از قربانیان به جای شکایت از متجاوز، ترجیح می‌دهند که سکوت کنند تا از پیامدهای اجتماعی مانند طرد شدن از سوی خانواده یا جامعه در امان بمانند. این سکوت، به‌طور مستقیم فرصت‌های قانونی برای مجازات متجاوز را از بین می‌برد.

از سوی دیگر در افغانستان تحت کنترل طالبان که سیستم عدلی قضایی مورد اعتماد وجود ندارد، قربانیان آدرسی برای ثبت قضایای خشونت جنسی، پیگیری و اعمال عدالت ندارند. در نتیجه، متجاوزان بدون هیچ ترسی از عواقب قانونی به اعمال خود ادامه می‌دهند.